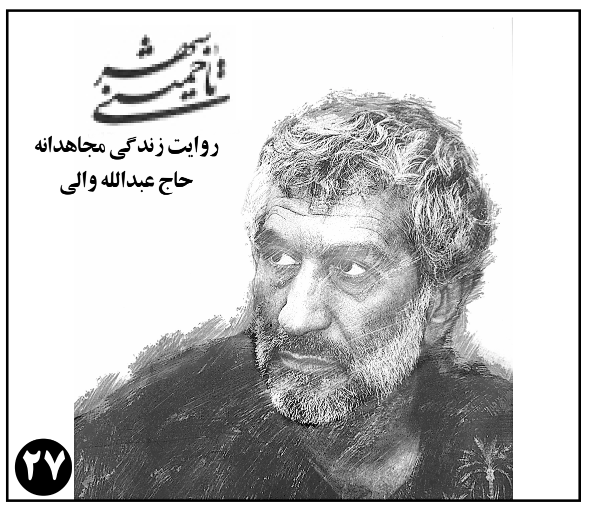

مشکل اصلی ارتباط است

*** برخی از مسائل حل شده است، اما یکی از مهم‌ترین مشکلات کار در بشاگرد مسئله ارتباط است که هنوز پا برجاست. حاج عبدالله و بچه‌های امداد مجبور هستند برای هر کار کوچکی سوار ماشین شوند و تا میناب بروند، آن هم با آن مسیر! گاهی می‌شود که کسی میناب می‌آید، اما چون نمی‌تواند با بشاگرد تماس بگیرد، چندین روز درمیناب می‌ماند تا کسی برای کاری بیاید و او را ببرد. بعضی وقت‌ها برای خریدهای جزئی و کوچک مجبور بودند این مسیر را بیایند بی‌خبری از همه جا هم مسئله دیگری است. هر کس می‌خواهد خبری را به بشاگرد برساند یا کاری را هماهنگ کند، در می‌ماند که چه کند، چون هیچ ارتباطی نیست.**

قدم‌ها یکی پس از دیگری برداشته می‌شود تا خمینی شهر فضایی آماده برای کارهای بزرگ تر شود.

حاج عبدالله با جدیت فراوان مشغول است که شرایط راطوری آماده کند تا بتواند اشخاصی را به بشاگرد بیاورد برای این منظور باید مکانی مهیا شود که شرایط اولیه اقامت را داشته باشد.

بعضی کارها و امور به چهار اتاق ساخته شده منتقل شده است، اما چادرها هنوز به راه هستند و اکثر بچه‌ها درچادر می‌خوابند. یکی از اتاق‌ها را تبدیل کرده‌اند به آشپزخانه و وضعیت غذا درحال بهتر شدن است.

آقای سلیمان سلامی زاده: وقتی اومدیم خمینی شهر، کمی وضع غذامون بهتر شد مواد غذایی داشتیم، اما کار بچه‌ها زیاد شده بود و نمی‌رسیدن آشپزی کنن، آشپز هم نداشتیم.

حاجی گفت: از خود بشاگردی‌ها یکی دو نفر رو انتخاب کنیم وبهشون آشپزی یاد بدیم تا همین جا مشغول بشن، من چون پدر ومادرم خیلی وقت بود فوت کرده بودن و تنها زندگی می کردم، آشپزی رو یاد گرفته بودم و پختن اکثر غذاها رو بلد بودم، از طرف دیگه حاجی تاکید داشت که رعایت بهداشت رو هم به این‌ها یاد بدیم که تمیز کارکنن، به همین دلیل، یاد دادن آشپزی رو به من سپرد. اولین نفری که آشپزی یاد گرفت قاسم ابراهیمی بود که اومده بود نگهبان بشه، ما گفتیم بیا آشپزی یاد بگیر. ما آشپزی می کردیم. می گفتیم ببین، چی کار می کنیم، تو هم همین کارها رو بکن، کم کم یاد گرفت و شد آشپز ما، از چیزهای ابتدایی شروع کردیم. تا این که یه روز کوفته تبریزی هم درست کردیم.

نون رو هم چند وقت از ربیدون می‌آوردیم که یه خانم برامون می‌پخت، اما دیگه نمی‌تونستیم این کار رو بکنیم. یه دونه از این ساج‌ها [۱] گرفتیم و به یکی از بشاگردی‌ها نانوایی یاد دادیم و دیگه نون رو تو خود خمینی شهر درست می کردیم. اولین نونوای ما یه پسر بچه به نام نجات احمدی بود.

بعد که حاج محمود و این‌ها دیدن خیلی تمیز کار می کنه، نجات رو هم فرستادن آشپزخونه. آموزش آشپزی رو من فرصت‌هایی که مریض نداشتم و سرم خلوت می‌شد انجام دادم. درمانگاه ما هیچ وقت تعطیل نشد، اولین کاری که سریع تو خمینی شهر راه افتاد، درمانگاه بود. اول تو یه چادر بودیم. اتاق‌ها که تقریباً آماده شد، یکی از اتاق‌ها شد درمانگاه و کارمون رو اون جا انجام می‌دادیم. یکی از بشاگردی‌ها به اسم عبدالله درختی رو هم آوردم و درباره داروها بهش آموزش دادم که بتونه نسخه‌هایی که من به مریض‌ها می‌دم براشون بپیچه.حاجی هم از این جور کارها که بشاگردی‌ها توش نقش پیدا می کردن، استقبال می کرد وخیلی خوشحال می‌شد. [۲]

یکی ازکارهای درمانی رایج در بشاگرد، معالجه مارگزیده‌هاست که فراوانند. برای درمان این افراد پادزهرهایی لازم است که باید درجای خنک نگهداری شوند و در نبود برق و یخچال این کار برای آقای سلامی زاده مشکل شده است.

حاج محمود والی: خمینی شهر که اومدیم حاجی رفت چند تا یخچال نفتی خرید و آورد بشاگرد. مثل یخچال‌های عادی بود، فقط پایینش یه منبع داشت که توش نفت می‌ریختیم. با یه فیتیله کوچیک می‌سوخت و گاز یخچال رو می‌چرخوند، سرماش خیلی کم بود، اما از هیچی بهتر بود. یکی از این‌ها رو گذاشتیم تو اتاق دکتر که پادزهرهای مار عقرب رو توش نگه داره. تو اتاق حاجی و انبار هم گذاشته بودیم که آب خنک و چیزهای دیگه‌ای توش می گذاشتیم. [۳]

برخی از مسائل حل شده است، اما یکی از مهم‌ترین مشکلات کار در بشاگرد مسئله ارتباط است که هنوز پا برجاست. حاج عبدالله و بچه‌های امداد مجبور هستند برای هر کار کوچکی سوار ماشین شوند و تا میناب بروند، آن هم با آن مسیر! گاهی می‌شود که کسی میناب می‌آید، اما چون نمی‌تواند با بشاگرد تماس بگیرد، چندین روز درمیناب می‌ماند تا کسی برای کاری بیاید و او را ببرد. بعضی وقت‌ها برای خریدهای جزئی و کوچک مجبور بودند این مسیر را بیایند بی‌خبری از همه جا هم مسئله دیگری است. هر کس می‌خواهد خبری را به بشاگرد برساند یا کاری را هماهنگ کند، در می‌ماند که چه کند، چون هیچ ارتباطی نیست. خانواده‌ها هم به خاطر این مشکل، ماه به ماه از حال بچه‌های بشاگرد خبردار نمی‌شوند و اگر کاری یا حرفی دارند، نمی‌توانند به آن‌ها برسانند. این مشکل باید هرچه سریع‌تر حل شود.

حاج امیر والی: انبار خمینی شهر که آماده شد، جزو اولین کسانی که اومدن، از هلال احمر بودن.حاجی از همون اول کارش، با هلال احمری‌ها رابطه خوبی داشت و اتاقشون تو میناب چند وقت دست ما بود. تو ربیدون هم که بودیم، یه بار یکی از هلال احمر استان اومد بشاگرد رو دید و برای رسوندن دارو و شیر خشک بهمون حسابی کمک کرد. حاجی چند وقت داشت پیگیری می کرد و با مسئولین هلال احمر صحبت می کرد تا قبول کنن یه بی‌سیم بیارن و بگذارن تو بشاگرد تا ارتباط با جاهای دیگه برقرار بشه.

این آقایونی که اومدن خمینی‌شهر، کلی باهاشون صحبت کردیم، اون‌ها هم شرایط رو نگاه کردن و به مرکز گفتن، مرکز هم قبول کرد بهمون بی‌سیم بده. [۴]

با موافقت مسئولین هلال‌احمر، حاج عبدالله به تهران می‌رود و کار را پیگیری می‌کند تا هرچه سریع‌تر دستگاه بی‌سیم در خمینی‌شهر نصب شود. بعد از قطعی شدن کار، حاج عبدالله به بشاگرد می‌رود تا به حاج هاشم بسپارد که بچه‌های هلال‌احمر را به بشاگرد بیاورد.

آقای هاشم راسخی‌نژاد: من مامور شده بودم که دو نفر از برادران هلال‌احمر رو برای نصب بی‌سیم بیارم بشاگرد. با ماشین رفتیم خیابون ولیعصر دنبالشون، وسایلشون رو بار زدیم، سوارشون کردیم و رفتیم فرودگاه. بندرعباس که رسیدیم جواد مرادخانی با یه آمبولانس اومده بود دنبالمون، سوار شدیم و راه افتادیم.

خمینی‌شهر، دکل بیسیم پشت سر مهدی زارعی .

به میناب که رسیدیم، بارندگی شدید شروع شد، اما ما راه افتادیم سمت خمینی‌شهر. بارون زده بود و راه‌هارو شسته بود. به وسط‌های راه که رسیدیم، گم کردیم. داشتیم از یه رودخونه پرآب رد می‌شدیم که آب، ماشین‌رو با خودش برد! ماشین خورد به یه سنگ و سر یکی از بچه‌های هلال‌احمر یه جوری خورد به شیشه ماشین که شیشه خرد شد. دیفرانسیل ماشین هم سوراخ شد. پیاده شدیم و شروع کردیم به گشتن، که یه جای آشنایی رو ببینیم و راه‌رو پیدا کنیم. بالاخره بعداز دو ساعت، راه‌رو پیدا کردیم و به یه زحمتی ماشین‌رو کشیدیم بیرون و رسیدیم به خمینی‌شهر.

این‌ها که رسیدن خمینی‌شهر داغون شده بودن، روز اول‌رو که فقط استراحت کردن! روز دوم کمی اطراف خمینی‌شهر رو گشتن و گفتن باید روی بلندی دو تا دکل بزنید، تا آنتن‌هارو روش نصب کنیم. من هم از قبل اون‌جا نبشی گذاشته بودم. یه روزه، دو تا دکل نه متری درست کردیم و بردیم روی تپه بالای خمینی‌شهر. با وجود این که زمین سفت بود، اما دو تا چاله یک و نیم متری کندیم که دکل‌ها سفت بشن و تکون نخورن.برای بلند کردن دکل‌ها هم که جرثقیل نداشتیم، دکل‌رو با طناب بستیم به لندکروز و انداختیمش تو چاله، بعد سرش‌رو آوردیم بالا و زیرش‌رو سفت کردیم. دکل‌ها که نصب شدن، اومدن آنتن‌ها رو روش نصب کردن و فرستنده روهم گذاشتن تو یکی از اتاق‌ها که اسمش شد اتاق بی‌سیم. [۵]

وقتی افرادی خارج از مجموعه به بشاگرد می‌آیند، برای بچه‌هایی که هیچ ارتباطی با خارج از بشاگرد ندارند، تنوعی ایجاد می‌شود و فضا تغییر می‌کند. به خصوص که معمولا با رسیدن این نوع میهمان‌ها وضعیت پذیرایی‌ها هم بهتر می‌شود!

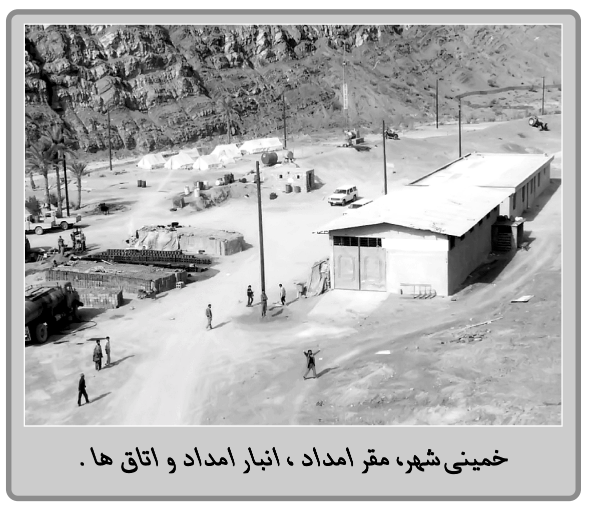

خمینی‌شهر، مقر امداد ، انبار امداد و اتاق ها .

آقای عباس مرادی: این بچه‌های هلال‌احمر که اومده بودن بی‌سیم رو راه بندازن، یکیشون یه حاج آقای اصفهانی بود که پیرمرد اهل دل و داش مشدی و باحالی بود. حسابی هم تو اون دو، سه روزی که اون جا بودن به ما رسید.

این‌ها که اومدن یه جعبه یخچال مانند پر یخ با خودشون آورده بودن که توش کلی مرغ گذاشته بودن.

ما آنقدر عدس پلو و استنبولی خورده بودیم، مثل ندید بدیدها به این مرغ‌ها نگاه می کردیم! تو این چند روز سیر مرغ خوردیم و دلی از عزا درآوردیم.

دو تا دکل زدن روی بلندی و بی‌سیم رو راه انداختن، می گفتن این بی‌سیمی که برای ما گذاشتن، توی جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل تو سفارت ایران تو اردن بوده و ملک حسین با اون از ایران کمک خواسته! خیلی بی‌سیم قوی‌ای بود. [۶]

ورود بی‌سیم، هم مشکلات بزرگ را حل می کرد و هم مسایل ریز و جزیی که دردسر ساز بود؛ مثل این که برای یک خرید کوچک، مجبور بودند این راه را تا میناب بروند و بیایند!

حاج محمود والی: بی‌سیم تو اتاق بود و یه موتور برق هم کنار اتاق بود که با هندل روشنش می کردیم، بعد بی‌سیم‌رو راه می‌انداختیم. حاج‌عبدالله یه قانون گذاشته بود که هر روز ساعت هشت تا هشت‌ونیم، ده تا ده‌ونیم، یک تا یک‌ونیم ظهر، باید بی‌سیم روشن باشه و یکی هم پاش بشینه، بچه‌های امداد میناب هم تو این ساعت‌ها باید می‌نشستن پای بی‌سیم، تا اگه ما کاری داریم بهشون بگیم. وقت‌هایی که بچه‌های خودمون یا حاجی میناب بودن، اون‌ها می‌نشستن اون طرف با ما صحبت می کردن.

با راه افتادن بی‌سیم خیلی راحت شدیم و کارهامون جلو افتاد، گفتیم خدایا شکرت، عجب نعمتیه! حتی تو کارهای جزیی؛ مثلا پیاز، سیب‌زمینی که تموم می کردیم، راحت خبر می‌دادیم برامون بفرستن.

خمینی‌شهر، اتاق بیسیم .

هلال‌احمری‌ها حسابی می خندیدن از دست ما، چون بی‌سیم ما، مادر بود و صدای مارو تمام مرکز استان‌ها می‌شنیدن، ما هم صداشون رو داشتیم.

اون‌ها تو بی‌سیم‌هاشون می گفتن ما این قدر مجروح جنگی داریم، دارو می‌خواهیم! ما می گفتیم این هفته این قدر مهمون می‌آد، آقا پنج کیلو عدس بخر! یا سیب‌زمینی تموم کردیم، امسالیشو بخر بفرست! تازه گاهی پای بی‌سیم داد هم می‌زدیم.

یه زمانی بود که هم من و هم حاجی سرما خورده بودیم، بینیمون کیپ شده بود. حاجی میناب بود، من از بشاگرد با بی‌سیم با حاجی صحبت می کردم. حاجی داد می‌زد: محمود! من نمی‌فهمم تو چی می گی، بده یکی دیگه صحبت کنه.

منم داد می‌زدم: حاجی! من هم نمی‌فهمم تو چی می گی، شما هم گوشی رو بده دست یکی دیگه!

آقای سعیدی هلال‌احمر، تو تهران پای بی‌سیم می‌نشست، بعداً که ما رو دید، گفت بی‌سیم بشاگرد که می‌خواست صحبت کنه، ما کارمون رو ول می کردیم و کلی می خندیدیم، به خصوص شما داداش‌ها!

بی‌سیم باعث شد ما یه کم از خبرهای مملکت مطلع شیم، ما حتی روزهای هفته از دستمون در رفته بود. نمی‌دونستیم دوشنبه است یا سه‌شنبه؟ جمعه‌ها هم که تفاوتی نداشت، چون بازکار بود! روزهایی که آقای سعیدی پشت بی‌سیم هلال‌احمر تو تهران بود، بعداز حاضر و غایب صبح، یه حدیث می‌خوند و خبرها رو اعلام می کرد. این جوری ما می‌فهمیدیم که مثلاً تو جبهه عملیات شده! هشت صبح حاضر و غایب بود، تنها غیر هلال‌احمری ما بودیم، می گفت بشاگرد. ما هم می گفتیم، سلام، صبح‌بخیر، در خدمتیم.

فایده دیگه بی‌سیم این بود که ما می‌تونستیم با خونه صحبت کنیم. مرکز رو می گرفتیم، می گفتیم این شماره رو برای ما بگیرید، اون‌ها هم خیلی به ما محبت داشتن خونه رو می گرفتن و گوشی بی‌سیم رو می گذاشتن جلوی گوشی تلفن که ما صحبت کنیم. صدا واضح نبود، اما واقعاً برای ما نعمت بود، همین که می‌تونستیم گاهی با خونواده و عزیز صحبت کنیم خیلی خوب بود. [۷]

برای ارتباط بی‌سیم، با توجه به شرایط جنگ، هر کدام از مراکز اسمی دارند و وقتی می‌خواهند صحبت کنند، اول باید اسمشان را بگویند. نام بشاگرد ابتدا «عمار» است و بعد «یاسر» می‌شود و مدام عوض می‌شود، تا اسم بشاگرد می‌شود «رعد».

حاج امیر والی: ارتباط بی‌سیم ما فقط با میناب و مراکز استان‌ها بود، اگر می‌خواستیم می‌تونستیم ارتباط داخلی و ماشین‌ها رو هم داشته باشیم، اما حاجی مخالفت کرد. می گفتیم: حاجی! چی بهتر از این، یه وقت ماشین خراب می‌شه و تو راه می‌مونه، خبر می‌ده که بریم کمکش، چه ایراد داره؟

می گفت: نه، این یه امکان ویژه‌ای می‌شه برای ما تو منطقه، بعد از این هر کس می‌خواد بیاد این جا توقع پیدا می کنه که اون هم این امکان رو داشته باشه. می‌گن امداد بی‌سیم داره، ما هم می خواهیم! بگذار همین‌جوری کار به لطف خدا داره جلو می‌ره!

خلاصه این امکان رو می‌تونستن بهمون بدن، اما حاجی مخالف بود. [۸]

محیط خمینی‌شهر هنوز برای سکونت آماده نیست. حاج عبدالله بازهم از خودش شروع می کند و به عنوان اولین مهمان، خانواده خودش را به بشاگرد می‌آورد. حاج عبدالله با این که مخالف زندگی خانواده‌هایشان در بشاگرد است، اما به شدت از سفر آن‌ها به بشاگرد دفاع می کند و سعی دارد موقعیت این کار را فراهم کند، او از این کار دنبال فواید زیادی است. او به یقین رسیده است که ساعت‌ها و روزها حرف زدن درباره بشاگرد، اثر یک ساعت حضور در آن را ندارد. پس خانواده‌ها باید بیایند و ببینند تا واقعیت را درک کنند. به این ترتیب، درون خانه هم با حاجی هم هدف می‌شوند و همراهی‌شان در این جهاد عظیم، توان حاجی را بالا می‌برد. از طرفی حضور یک زن برای مدتی در امداد فرصتی است تا بعضی مسائل را بفهمد. بی‌تردید در مراودات زنان بشاگردی با او مسائل و مشکلاتی مطرح می‌شود که در حضور مردان، حجب و حیا مانع طرح شدنشان می‌شود. کمک به مسائل درمانی و بهداشتی در مورد زنان و آموزش به زنان هم از فوائد این سفرهاست، پس حاجی مشکلات فراوان این امر را می‌پذیرد. برای اولین بار، در همان ماه‌های اول حضور در خمینی‌شهر وقتی حاج محمود می‌خواهد از تهران به بشاگرد بیاید، همسر حاج عبدالله و پسر دومشان مسعود، که سه سال دارد، به همراه حاج محمود به بشاگرد می‌آیند.

همسر حاج عبدالله والی: سال شصت و سه بود، قرار شد ما با حاج محمود بریم بشاگرد. صادق حدود نه سالش بود و چون مدرسه می‌رفت، گذاشتمش پیش خانم حاج محمود. از میناب که می‌رفتیم خمینی‌شهر، با این که حاج محمود آروم رانندگی می کرد، سه، چهار بار سر من خورد به سقف ماشین. همش می‌ترسیدم که برای مسعود اتفاقی بیفته. صبح راه افتادیم، شب رسیدیم، آن قدر حالم بد شده بود که سه، چهار روزی گیج افتاده بودم. دعا می کردم که خدایا یه جوری بشه من دیگه این راه رو نرم!

---

[۱] صفحه‌ای فلزی که روی آتش می گذارند و روی آن نان می‌پزند.
[۲] مصاحبه با آقای سلیمان سلامی زاده تهران: ۱۳۸۸/۲/۸
[۳] مصاحبه با حاج محمود والی، میناب، ۱۳۸۸/۸/۲۵
[۴] مصاحبه با حاج امیر والی، بشاگرد ۱۳۸۷/۱۱/۲۱
[۵] مصاحبه با آقای هاشم راسخی‌نژاد، تهران ۱۳۸۸/۶/۱۵
[۶] مصاحبه با آقای عباس مرادی، تهران، ۱۳۸۸/۷/۱۶
[۷] مصاحبه با حاج محمود والی، میناب، ۱۳۸۸/۶/۳۰
[۸] مصاحبه با حاج امیر والی، بشاگرد ۱۳۸۷/۱۱/۲۱

آگهی مناقصه
(شماره ۹۱/۵/۱۴-۲۰۰/۲۱۱۴۶)

شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد نسبت به **خرید ۱۰۰۰۰ دستگاه کنتور ۱/۲ اینچ مولتی جت خشک کلاس C با مشخصات درج شده در اسناد مناقصه** جهت ادارات تابعه از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید.
* **محل اخذ اسناد**: شیراز، شرکت آبفا استان فارس (میدان مطهری، ابتدای بلوار قدوسی غربی روبروی پارک محله‌ای بلوک ۴۰۶ طبقه اول اتاق ۱۱۰ امور بازرگانی تلفن ۸۴۳۵۱۶۴) تهران: خ دکتر بهشتی، خ سهروردی شمالی، کوی باسقی پلاک ۱، تلفن ۸۸۷۴۷۸۹۵
* **محل تسلیم پیشنهادات**: شیراز، شرکت آبفا استان فارس (میدان مطهری، ابتدای بلوار قدوسی غربی روبروی پارک محله‌ای بلوک ۴۰۶ طبقه اول، واحد دبیرخانه)
* **آخرین مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه**: شنبه ۹۱/۵/۲۱
* **تاریخ نهایی قبول پیشنهادات**: سه‌شنبه ۹۱/۵/۳۱
* **تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات**: چهارشنبه ۹۱/۶/۱
* **مبلغ برآورد**: ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
* **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه**: ۱۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بصورت ضمانتنامه بانکی در وجه شرکت آبفا فارس)
* **قیمت اسناد**: ۱۰۰/۰۰۰ ریال (واریز به حساب شماره ۱۵۲۸۹۳۶۴۰۴ بانک ملت شعبه میدان معلم کد شناسه ۲۴۰۰۰۸۰۳۷۱۱۲ بنام شرکت آبفا فارس)
* مدت اعتبار قیمت پیشنهادی حداقل دو ماه پس از تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهاد قیمت میباشد.
* به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
* سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج گردیده است.
* این آگهی در روزنامه خبر جنوب و سایت اینترنتی www.abfa-fars.ir نیز درج گردیده است.
* نوبت اول آگهی: ۹۱/۵/۱۴
نوبت دوم آگهی: ۹۱/۵/۱۶
«شرکت آبفا استان فارس»

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان یزد
(سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
(فراخوان ارزیابی کیفی پیمانکاران)

شماره مناقصه: ۸۶۰۷۱
شماره مجوز: ۱۹۸۷۱۷
(نوبت اول)

عنوان آگهی: اجرای پانزده هزار متر شبکه توزیع و نصب پانصد انشعاب پلی اتیلن پراکنده در سطح شهر مهریز

مناقصه گران جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شرکت گاز استان یزد به آدرس: www.nigc-yazd.ir و سایت www.shana.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۱۶-۶۲۳۸۵۱۳ داخلی ۲۲۸۷ یا ۲۲۸۶ و نمابر ۶۲۳۸۴۵۰ تماس حاصل فرمایند.

نشانی: یزد- میدان امام حسین- شرکت گاز استان یزد- امور قراردادها

روابط عمومی

صاحب عکس **جبار محمدی** فرزند سیف‌الله از مورخ ۸۸/۵/۳۱ از منزل خارج و تاکنون مراجعت ننموده است از کسانیکه از وی اطلاعی دارند خواهشمند است با شماره تلفن ۰۸۷۱-۳۲۸۸۰۹۶ و یا آدرس سنندج- خیابان گلشن- کوچه روژین پلاک ۵۴ تماس حاصل فرمایند.

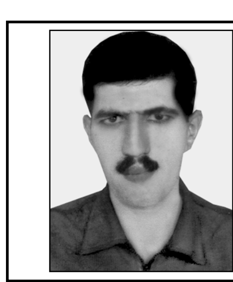

به یک نفر دکتر داروساز جهت مسئول فنی داروخانه بصورت دایم یا موقت با پروانه داروسازی نیازمندیم.
شماره تماس: ۰۹۱۸۱۵۱۰۳۶۲
۰۸۵۱-۲۲۲۲۵۹۹

آگهی دعوت سهامداران شرکت پرهون استن سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۳۳۶۶ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۱۶۴۳۳۹ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده و مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت پرهون استن (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ۸ صبح مورخه ۱۳۹۱/۵/۲۸ و جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۳۹۱/۵/۲۸ در محل شرکت واقع در تهران- خیابان نبرد جنوبی- تقاطع شهید ده حقی- پلاک ۲۳۶- طبقه سوم، تلفن ۳۳۸۱۲۶۹۹ تشکیل میگردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده:
۱- اصلاح اساسنامه.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی و حسابرس شرکت.
۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۵/۳۱
۳- انتخاب اعضای هیئت مدیره.
۴- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل و حسابرس شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۵/۳۱ و تعیین حق الزحمه ایشان
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۶- سایر موارد

رئیس هیئت مدیره

(آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک ۷۷۹ فرعی از ۶۰- اصلی)

نظر به این که پلاک ۷۷۹ فرعی از ۶۰- اصلی اصلی واقع در قطعه ۲ بخش ۲ بندرعباس بر طبق پرونده ثبتی تحت عنوان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۷۵۰ مترمربع مشهور بندر لنگره واقع در بندر پل به نام کریم اقبالی فرزند حسین و عبدالکریم صالح‌زاده فرزند صالح هرکدام به نسبت ۶ سهم مشاع و احمد مهین‌دوست فرزند حسین به نسبت ۵ سهم و محمد شریف عبدالهی فرزند محمد- محمد عالی نژاد فرزند صالح- محمد چکانی فرزند احمد هر کدام به نسبت یک سهم مشاع همگی از ۲۴ سهم مشاع از ششدانگ در جریان ثبت می‌باشد و تحدید حدود عمومی آن به علت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی وی به عمل نیامده و اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت نیز میسر نبوده است. بدین وسیله بنابه درخواست مالک و برابر ماده ۱۵ قانون ثبت عملیات تحدید حدود پلاک فوق‌الذکر در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۶/۶ ساعت ۸ صبح در محل انجام خواهد شد. در صورت مصادف شدن با تعطیلی عملیات تحدید حدود روز بعد از تعطیلی انجام خواهد شد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌شود که در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل حضور یابند. بدیهی است در صورت عدم حضور، تحدید حدود با معرفی مالک یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد. بنابر ماده(۲۰) قانون ثبت، مجاوری که نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی، حقی برای خود قائل است می‌تواند ظرف مدت سی(۳۰) روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به وسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت‌دار عرض حال دهد. ضمناً برابر ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت اعتراض باید کتبی و مستقیماً به این اداره تسلیم گردد و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مراجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۱۶
اسمعیل ربیعی‌نژاد
سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان در نظر دارد اجرای عملیات برقرسانی به روستاهای فاقد برق حوزه جنوب و شمال استان لرستان را به تعداد ۲۳ روستا در محدوده شهرستانهای کوهدشت، پلدختر، خرم‌آباد، بروجرد و الشتر با احداث شبکه‌های فشار ضعیف و فشار متوسط بصورت PC براساس فهرست بهاء سال ۹۱ شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان به شرح اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکتهای واجد شرایط و تایید صلاحیت شده واگذار نماید. جزئیات و شرایط مناقصه بشرح ذیل می‌باشد:

ردیف	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	محدوده اجرا	مبلغ اولیه برآورد به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	مدت زمان اجرای کار
۱	برقرسانی به ۱۳ روستا فاقد برق حوزه جنوب	۹۱/۲۳	شهرستانهای کوهدشت و پلدختر	۳/۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۶۱/۲۰۰/۰۰۰	تا پایان سال جاری
۲	برقرسانی به ۱۰ روستا فاقد برق حوزه شمال	۹۱/۲۴	شهرستانهای خرم‌آباد، بروجرد و الشتر	۴/۳۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۸۴/۳۰۰/۰۰۰	تا پایان سال جاری

۱- **محل دریافت اسناد مناقصه**: متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را بصورت فایل PDF از طریق سایت‌های اطلاع‌رسانی معاملات توانیر به آدرس www.tender.tavanir.org.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس www.iets.mporg.ir دریافت نمایند. در صورت تهیه اسناد از این طریق، اصل فیش واریزی مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال موضوع بند ۵ این آگهی و معرفی نامه کتبی می‌بایست به همراه پاکات پیشنهادی مناقصه جهت مناقصه گزار ارسال گردد. در صورت عدم امکان دریافت اسناد از طریق سایت‌های مذکور به آدرس: خرم‌آباد- خیابان انقلاب- میدان ۲۲ بهمن (کیو)، بلوار ولایت، بلوار حج- ساختمان حوزه ستادی شرکت توزیع برق استان لرستان- امور پشتیبانی (واحد قراردادها و مناقصات) مراجعه فرمایید.
۲- **نحوه خرید اسناد و مدارک مناقصه**: واریز مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال (دویست و پنجاه هزار ریال به حروف) به حساب شماره ۰۱۰۶۱۲۳۳۴۰۰۰۲ سیبا بانک ملی ایران شعبه برق خرم‌آباد کد (۶۴۲۰) بنام شرکت توزیع برق استان لرستان و ارائه فیش واریزی و معرفی نامه کتبی.
۳- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه**: از تاریخ ۹۱/۵/۱۴ تا ۹۱/۵/۲۳ بمدت ده روز در ساعات اداری از ۸ صبح تا ۱۴ بعدازظهر
۴- **آخرین مهلت تحویل پاکات**: پایان وقت اداری روز سه شنبه ۹۱/۵/۲۴ خواهد بود.
۵- **محل تحویل پاکات اسناد مناقصه**: خرم‌آباد- خیابان انقلاب- میدان کیو (۲۲ بهمن)، بلوار ولایت، بلوار حج مجتمع اداری ساختمان شرکت توزیع برق استان لرستان- دبیرخانه و پس از ثبت شماره و تاریخ تحویل دفتر حراست.
۶- **زمان و محل بازگشایی پاکات مرحله اول (پاکات «الف» و «ب»)**: ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۵/۲۵ در محل دفتر مدیر امور پشتیبانی شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان به آدرس بالا.
۷- **زمان و محل بازگشایی پاکات مرحله دوم (پاکات ج)**: دفتر مدیر امور پشتیبانی شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان- تاریخ و ساعت بازگشایی متعاقباً به اطلاع مناقصه گران خواهد رسید.

شرایط مناقصه:
۱- شرکت کنندگان در مناقصه می‌بایست حداقل دارای رتبه ۵ در رشته نیرو باشند.
۲- داشتن تجهیزات و ماشین‌آلات سبک و سنگین و نیروی انسانی الزامی است.
۳- شرکت در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهادات رسیده مختار است.
۴- هزینه آگهی یک یا دو نوبت در روزنامه‌های کشوری و استانی بعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۵- به پیشنهادات مبهم، مخدوش، مشروط، فاقد امضاء یا دارای امضای غیرمجاز و سپرده‌های کمتر از میزان تعیین شده، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۶- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است. ضمناً آگهی مذکور از طریق سایت‌های شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان به آدرس www.barghlorestan.ir و سایت اطلاع رسانی معاملات توانیر به آدرس www.tavanir. org.ir قابل مشاهده است.
* برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۴-۳۲۲۸۰۰۱-۰۶۶۱ امور پشتیبانی- واحد قراردادها و مناقصات (داخلی ۳۲۴ و ۳۲۶) و جهت کسب سؤالات فنی با همان شماره داخلی ۲۲۱ تماس حاصل نمائید.

روابط عمومی شرکت توزیع برق استان لرستان

(آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک ۷۷۶ فرعی از ۶۰- اصلی)

نظر به این که پلاک ۷۷۶ فرعی از ۶۰- اصلی اصلی واقع در قطعه ۲ بخش ۲ بندرعباس بر طبق پرونده ثبتی تحت عنوان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸۲۹۵/۹۰ مترمربع مشهور به ملا احمدی واقع در بندر پل به نام کریم اقبالی فرزند حسین و عبدالکریم صالح‌زاده فرزند صالح هرکدام به نسبت ۶ سهم مشاع و احمد مهین‌دوست فرزند حسین به نسبت ۵ سهم و محمد شریف عبدالهی فرزند محمد- محمد عالی نژاد فرزند صالح- محمد چکانی فرزند احمد هر کدام به نسبت یک سهم مشاع همگی از ۲۴ سهم مشاع از ششدانگ در جریان ثبت می‌باشد و تحدید حدود عمومی آن به علت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی وی به عمل نیامده و اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت نیز میسر نبوده است. بدین وسیله بنابه درخواست مالک و برابر ماده ۱۵ قانون ثبت عملیات تحدید حدود پلاک فوق‌الذکر در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۶/۶ ساعت ۸ صبح در محل انجام خواهد شد. در صورت مصادف شدن با تعطیلی عملیات تحدید حدود روز بعد از تعطیلی انجام خواهد شد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌شود که در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل حضور یابند. بدیهی است در صورت عدم حضور، تحدید حدود با معرفی مالک یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد. بنابر ماده(۲۰) قانون ثبت، مجاوری که نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی، حقی برای خود قائل است می‌تواند ظرف مدت سی(۳۰) روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به وسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت‌دار عرض حال دهد. ضمناً برابر ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت اعتراض باید کتبی و مستقیماً به این اداره تسلیم گردد و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مراجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۱۶
اسمعیل ربیعی‌نژاد
سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

(آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک۷۷۸ فرعی از ۶۰- اصلی)

نظر به این که پلاک ۷۷۸ فرعی از ۶۰- اصلی اصلی واقع در قطعه ۲ بخش ۲ بندرعباس بر طبق پرونده ثبتی تحت عنوان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۰۰۰ مترمربع مشهور بند میان تهی واقع در بندر پل به نام کریم اقبالی فرزند حسین و عبدالکریم صالح‌زاده فرزند صالح هرکدام به نسبت ۶ سهم مشاع و احمد مهین‌دوست فرزند حسین به نسبت ۵ سهم و محمد شریف عبدالهی فرزند محمد- محمد عالی نژاد فرزند صالح- محمد چکانی فرزند احمد هر کدام به نسبت یک سهم مشاع همگی از ۲۴ سهم مشاع از ششدانگ در جریان ثبت می‌باشد و تحدید حدود عمومی آن به علت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی وی به عمل نیامده و اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت نیز میسر نبوده است. بدین وسیله بنابه درخواست مالک و برابر ماده ۱۵ قانون ثبت عملیات تحدید حدود پلاک فوق‌الذکر در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۶/۶ ساعت ۸ صبح در محل انجام خواهد شد. در صورت مصادف شدن با تعطیلی عملیات تحدید حدود روز بعد از تعطیلی انجام خواهد شد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌شود که در روز و ساعت مقرر در آگهی در محل حضور یابند. بدیهی است در صورت عدم حضور، تحدید حدود با معرفی مالک یا نماینده قانونی وی انجام خواهد شد. بنابر ماده(۲۰) قانون ثبت، مجاوری که نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی، حقی برای خود قائل است می‌تواند ظرف مدت سی(۳۰) روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به وسیله اداره ثبت به مرجع صلاحیت‌دار عرض حال دهد. ضمناً برابر ماده ۸۶ آئین نامه قانون ثبت اعتراض باید کتبی و مستقیماً به این اداره تسلیم گردد و معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم اعتراض به مراجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید. در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۵/۱۶
اسمعیل ربیعی‌نژاد
سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان بندرعباس

آگهی تغییرات شرکت ترابری بین‌المللی تهران (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۴۴۹۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۳۷۵۳۷

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۱/۲/۳۰ مواد ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۱۲ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه اصلاح گردید.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تاسیس شرکت دشت برشید سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۰ تحت شماره ۱۳۶۸۴ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۸۸۴۷۲ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۲ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیر الانتشار کیهان آگهی می‌شود.
۱- موضوع شرکت: ۱- ارائه کلیه خدمات کشاورزی در رسته‌های اجرایی- تحقیقاتی- مطالعاتی - مشاوره‌ای و پشتیبانی الف) رسته اجرایی: نظیر فعالیت هایی در زمینه اجرای پروژه‌های آبیاری تحت فشار بارانی و قطره‌ای- اجرای سیستم‌های آبیاری مدرن مکانیزه و زهکشی- عملیات جاری زراعی و باغی- طراحی و اجرای فضای سبز- پرورش دام‌های شیری و گوشتی - طیور- آبزیان و زنبور عسل- تولید بند و نهال- تولید گیاهان و گل‌های زینتی و دارویی- تولید سبزی و صیفی زیر پوشش گلخانه ای- ارائه کلیه خدمات مکانیزاسیون- کنترل و مبارزه با آفات و بیماری‌های گیاهی- ایجاد کارگاه‌ها- امور زیربنایی و صنایع تبدیلی: ب) رسته تحقیقاتی- طراحی- مطالعاتی- مشاوره‌ای-طراحی و مشاوره سیستم‌های آبیاری تحت فشار بارانی و قطره‌ای- تحقیقات و مشاوره در امور اصلاح نژاد- تحقیقات در مورد بهبود کیفیت شیر و گوشت- آزمایشگاه‌های خاک- آب- گیاه شناسی- آفات و بیماری‌ها- تحقیقات مربوط به بذر و نهال و کلیه خدمات مشاوره‌ای در مراحل کاشت و داشت و برداشت. ج) رسته پشتیبانی: ایجاد فروشگاه‌های مجاز جهت فروش و توزیع لوازم و ادوات مربوط به آبیاری تحت فشار بارانی و قطره‌ای- کود- سم و نهاده‌ها- ترویج آموزش مورد لزوم- مشارکت و عضویت در اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها و سندیکاهای صنفی مربوط.
۱- ارایه کلیه خدمات صنایع تبدیلی و وابسته به کشاورزی در رسته‌های الف) فرآوری و بسته بندی مواد کشاورزی اعم از خوراکی- منسوجات و الیاف. ب) تولید محصولات جانبی کشاورزی در زمینه‌های مختلف غذایی- نساجی- کاغذسازی با چوب- صفحات کامپوزیت و هرگونه محصولات جانبی مربوطه. ج) ارایه و اخذ نمایندگی- عقد قراردادهای مشارکت در اجرای پروژه و شرکت در مناقصات دولتی و هرگونه فعالیت تولیدی- بازرگانی و خدماتی مرتبط با صنایع وابسته و جانبی کشاورزی- دریافت وام و ارایه طرح‌های مربوطه و مشارکت در اجرای طرح‌های کشت و صنعت دولت. د) تولید - فروش- صادرات و واردات دستگاه‌ها و فناوری تولیدی مربوط به صنایع کشاورزی. ه) طراحی- پژوهش و مشاوره برای اجرای طرح‌ها و ساخت تجهیزات و ادوات مربوط به صنایع کشاورزی.
۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳- مرکز اصلی شرکت: استان آذربایجان غربی- شهر ارومیه میدان جهاد ابتدای خ خیام جنوبی کوچه بانک ملت پلاک ۳- تلفن ۲۲۵۷۲۱۴.
۴- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یکصد سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یکصد سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۰۶۰/۹۱/۴۷۳ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۷ نزد بانک ملت شعبه مرکزی پرداخت گردیده است.
۵- اولین مدیران شرکت: ۱-۵- آقای بابک نیک پندار به سمت رئیس هیئت مدیره. ۲-۵- آقای مجتبی محفوظی نژاد به سمت نایب رئیس هیئت مدیره. ۳-۵- آقای سیدعلی غیبی به سمت عضو هیئت مدیره. ۴-۵- آقای ایمان درستی راد به سمت عضو هیئت مدیره. ۵-۵- آقای سیدحسن غیبی به سمت عضو هیئت مدیره.
۶-۵- آقای بابک نیک پندار به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶- دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای رئیس هیات مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و امضای اوراق عادی و اداری به امضای آقای بابک نیک پندار همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
۷- اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه.
۸- بازرس اصلی و علی البدل: ۱-۸- آقای کیوان الوندی شیشوان به عنوان بازرس اصلی. ۲-۸- آقای احمد پوراحمدی به عنوان بازرس علی البدل.

مسئول ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری واحد ثبتی ارومیه

آگهی تصمیمات شرکت صنایع سنگستان سپاهان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۱۸۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۴۰۸۶۳

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۰/۴/۳۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۷ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۹ به تصویب رسید. مصطفی عابدی به کدملی ۱۲۹۰۰۸۴۹۸۱ به سمت بازرس اصلی و عباس سنمار به کدملی ۱۲۸۲۲۲۴۹۰۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور